

تحلیل ژئوپلیتیک روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها

جواد اطاعت^۱، ابراهیم احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۵

چکیده

پاکستان کشوری است که در اوت ۱۹۴۷م. استقلال خود را به دست آورده است. قراین و شواهد گویای این است که طی همین مدت اندک، این کشور با مشکلات داخلی و بیرونی زیادی مواجه بوده است. بر این اساس، سؤال این پژوهش چنین است: در یک برآورد کلی از سیاست کنونی پاکستان؛ روابط این کشور با همسایگان چگونه ارزیابی می‌شود؟ به طور معین، دلایل مشخصی وجود دارد که نشان می‌دهد همواره به اشکال متعددی پاکستان برای همسایگان موجودیتی تهدیدزا بوده است. منازعات ارضی با هند بر سر حاکمیت کشمیر و رقابت‌های خطرناک تسلیحاتی با این کشور، اختلاف بر سر مرز دیورند و حمایت از طالبان در بی‌ثبات کردن افغانستان، تنش‌های گسترده با ایران، نظیر: تنش‌های ایدئولوژیک، مسائل مرزی و اهداف متناقض در افغانستان و غیره، تنها بخشی از اختلافات پاکستان با همسایگان است. هم‌اکنون پاکستان دارای روابط خوبی با چین است؛ لذا دلایلی وجود دارد که به نظر می‌رسد در آینده این کشور با چین نیز وارد تنش شود.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای روش کیفی است. گردآوری داده‌ها، از منابع

مکتوب و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: پاکستان، همسایگان، ژئوپلیتیک

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی detaat@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی Ebrahimahmadi1365@yahoo.com

۱. مقدمه

عوامل جغرافیایی، به ویژه همجواری همچنان به عنوان عنصر مهمی در روابط کشورها نقش آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان، برآورد امنیت و منافع ملی آنها امری ناممکن است. شناخت میزان توانایی و آسیب‌پذیری کشورها، تابع شرایط جغرافیایی و ژئوپلتیک هر کشور است؛ اما به عنوان یک اصل کلی در سرتاسر جهان، همسایگان از نقش منحصر به فرد ویژه در سیاست‌های راهبردی هر کشور برخوردارند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۱).

پاکستان در منطقه شبه قاره، کشوری است که تنها بیش از نیم قرن از تأسیس آن می‌گذرد؛ اما در همین تاریخ اندک موجب بحران‌های عمده‌ای در منطقه شده است. بسیاری از کارشناسان پاکستان را بزرگترین خطر برای امنیت جنوب غرب آسیا و صلح بین‌الملل می‌دانند. این کشور محرک اصلی اربابگری، مانند: فروپاشی‌ها، خشونت‌ها، اعمال تروریستی و به عنوان یک همسایه بد، مسؤول آموزش و تمویل تروریست‌ها و گروه‌های تندرو بوده و هست. به طور طبیعی، چنین وضعیتی قطعاً بر محیط پیرامونی همسایگان تأثیرگذاری فراوانی خواهد داشت.

در یک ارزیابی کلی، هدف اصلی این پژوهش، پرداختن به روابط ژئوپلتیک پاکستان و همسایگان بر مبنای مبانی تنش و تهدید است. بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهد که پاکستان با همه همسایگان خود (غیر از چین) به نوعی در تنش است. چندین جنگ با هند بر سر مسأله حاکمیت بر سر کشمیر و رقابت‌های تسلیحاتی خطرناک (سلاح هسته‌ای) با این کشور، تلاش همیشگی برای نفوذ در افغانستان برای فائق آمدن بر بحران قومی- قبیله‌ای پشتونستان و ایجاد طالبان در این راستا، از جمله این بحران‌هاست (حسین‌خانی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

پاکستان با ایران نیز در موارد متعددی دارای اختلاف اساسی است: تنش‌های ایدئولوژیک، اختلاف دو کشور در افغانستان، تنش‌های مرزی، چالش‌های قومی و غیره، از جمله منابع تنش در روابط ایران و پاکستان است. از بین همسایگان؛ پاکستان در حال حاضر تنش جدی با چین ندارد. با این حال، نویسنده معتقد است عواملی چند وجود دارد که می‌تواند به تدریج میان چین و پاکستان فاصله اندازد. از جمله این عوامل؛ حمایت طالبان و برخی از گروه‌های اسلامی از گروه‌های جدایی طلب در منطقه مسلمان‌نشین ترکستان شرقی (سین کیانگ) چین است؛ همچنانکه مرتفع شدن روابط هند (دشمن اصلی پاکستان) و چین و نگرش روزافزون چین به آمریکا، به احتمالی در آینده روابط چین و پاکستان را تحت شعاع قرار خواهند داد.

۲. مفاهیم نظری

مفاهیم ژئوپلیتیک

قدمت ژئوپلیتیک را به اندازه قدمت جستجوی انسان برای قلمرو، امنیت و نیز به اندازه قدمت دیپلماسی، استراتژی، حسادت و ترس دانسته‌اند (مویر، ۱۳۷۹: ۱۶۵). نخستین بار، دانشمند سوئدی، «رودلف کیلن»^۱، اصطلاح ژئوپلیتیک را درباره مرزهای سوئد و به معنای «علم حکومت» در حکم قلمروی در فضا به کار گرفت. او تحت تأثیر افکار اسپنسر، دانشمند علوم زیست، حکومت را به مثابه چیزی که با یک ارگانیسم زنده قابل قیاس است، تصور و در واقع، تلویحاً بیان کرد که این موجود دارای آگاهی، قدرت استدلال و اراده زیستن است (Glassner, 2004: 10). تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک شده است. از نظر فرهنگ جغرافیای انسانی: «ژئوپلیتیک مفهومی قدیم و بلندمدت است که در مطالعات

1. Rudolf kiln

جغرافیایی، فضا را از آن جهت که در فهم تأسیس روابط بین‌الملل اهمیت دارد، مورد توجه قرار می‌دهد» (Johnston at all, 1994:228). کلاز دادز^۱ در کتاب خود با عنوان «ژئوپلتیک در جهان متغیر» تعریف زیر را ارائه می‌دهد: «ژئوپلتیک رویکرد ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌نماید» (Dodds, 2000:162). دیویدی^۲ نویسنده کتاب *اصول جغرافیای سیاسی* می‌نویسد: «ژئوپلتیک عبارت است از علم روابط بین فضا و سیاست، که می‌کوشد دانش جغرافیا را در خدمت رهبران سیاسی قرار دهد» (Dwivedi, 1990:5). پیتر تیلور^۳ بنیانگذار «فصلنامه جغرافیای سیاسی» می‌نویسد: «ژئوپلتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان؛ به‌ویژه روابط بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (Taylor, 1994:330). به عقیده پیروز مجتهدزاده، ژئوپلتیک از نقش‌آفرینی‌های سیاسی - محیطی در چارچوب «قدرت» سخن می‌گوید. بدین ترتیب، ژئوپلتیک عبارت است از: «مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌ها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد یا امکاناتی که در این راستا می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت». مسلماً هدف یک قدرت (به‌منزله پدیده سیاسی - محیطی) از این روابط، ایجاد موازنه رقابتی با قدرت‌های دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گستردن آنها با توجه به چگونگی بهره‌گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. برتری‌خواهی، سلطه‌جویی یا ایجاد کنترل بر مسائل منطقه، بخشی از جهان یا بر همه جهان که در اصطلاح هژمونی گفته می‌شود، هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلتیک است (مجتهد زاده، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶).

با این تعاریف، ژئوپلتیک بیشتر نگاهی فراملی دارد. با نگاهی ژرف بر تعاریف

1. Klaus Dodd's

2. Divide

3. Peter Taylor

ژئوپلیتیک از سوی اندیشمندان این رشته ملاحظه می‌شود که سه واژه «جغرافیا، قدرت و سیاست» مبنای تعاریف را تشکیل می‌دهد و به نظر می‌رسد قدرت در بین جغرافیا و سیاست به صورت مستتر خودنمایی کند.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. هند و پاکستان

تا پیش از سال ۱۹۴۷م.؛ یعنی زمان خروج بریتانیا از شبه قاره، هند و پاکستان یک کشور را تشکیل می‌دادند؛ اما از آن سال به بعد، هند و پاکستان از هم جدا شدند و تاکنون این دو کشور همچنان به صورت دشمنان اصلی یکدیگر باقی مانده‌اند. بی‌شک، هند و پاکستان واقعیت‌های ژئوپلیتیک مسلط در جنوب آسیا هستند. الگوی روابط ژئوپلیتیک در این منطقه به بخش سیاسی و نظامی ناشی از کشمکش هند و پاکستان مربوط است (سازمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷)، که حاصل این رویارویی سه جنگ بین سه کشور بوده و تاکنون نگرانی‌های امنیتی فراوانی را برای جنوب آسیا به‌بارآورده است.

- **بحران کشمیر:** بحران کشمیر تاریخی‌ترین و اصلی‌ترین مسأله مورد اختلاف بین هند و پاکستان است. این بحران ترکیبی پیچیده از مطالبات ملی- قومی، تفاوت‌های مذهبی، تروریسم، خشونت سازمان‌یافته، فساد و ترس فراگیری است که از بدو استقلال پاکستان از هند، موجب تقابل دو کشور با یکدیگر شده است. کشمیر از دیرباز صحنه درگیری، مخاصمه و جنگ بین دو کشور بوده و گاه و بیگاه به بهانه‌ای تنش میان دو کشور در این منطقه افزایش یافته است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). وقوع سه رویارویی نظامی در اکتبر ۱۹۴۷، آوریل ۱۹۶۵ و دسامبر ۱۹۷۱م. بر سر کشمیر، نشان‌دهنده اهمیت بالای منازعه کشمیر نزد دو کشور است (عطایی و شهوند، ۱۳۹۱: ۹۷). هم‌اکنون اختلاف عمده بین مسلمانان کشمیر، بین کسانی است که خواستار نزدیک شدن به پاکستان هستند و افرادی

که خواستار یک کشور مستقل هستند (دهشیار، ۱۳۸۸: ۹۹). پاکستان، کشمیر را بدان علت که بخش اعظم جمعیت آن مسلمان است، متعلق به خود می‌داند و هند نیز بدان جهت که مهاراجه وقت کشمیر، الحاق قلمرو خود را به خاک هند اعلام کرد، مدعی جدایی‌ناپذیر بودن این سرزمین از خاک هند است (شفیعی و اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

به هر ترتیب، آرایش نظامی نیروهای مسلح دو کشور در مرز کنترل منطقه و حملات لفظی و جنگ سرد مقامات دو کشور، به خوبی نشان می‌دهد که این بحران عمیق، دیرپا و چندلایه، همچنان پویا و تأثیرگذاری خود را بر روابط هند و پاکستان حفظ کرده است.

رقابت تسلیحاتی و نظامی: این که، دو کشور هند و پاکستان از لحاظ فن‌آوری سلاح‌های هسته‌ای و سیستم‌های حامل آن تا چه اندازه‌ای پیشرفت کرده‌اند، هنوز اطلاعات موثقی در دست نیست. هند مدعی شده است که طی پنج آزمایش هسته‌ای خود، هر دو سلاح هیدروژنی و اتمی را با موفقیت آزمایش کرده است (ثقفی عامری، ۱۳۷۷: ۱۴۸). هند به عنوان یک قدرت در حال ظهور بین سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۰۷ م. بزرگترین واردکننده تسلیحات متعارف بوده است. پاکستان نیز با وجود ضعف و فقدان عمق راهبردی مناسب در همین سال‌ها، سومین کشور واردکننده این تسلیحات در جهان بوده است. هند در سال ۲۰۱۰ م. با داشتن ۱۰ درصد سهم جهانی تسلیحات مهم در جهان، در رتبه اول واردکننده تسلیحات مهم در جهان بود، این مقدار سهم برای پاکستان در همین سال ۵ درصد برآورد شده است. با کمی پیشرفت در سال ۲۰۱۲ م. دو کشور در پی ارتقای موقعیت خود، با ۱۲ درصد سهم جهانی، به طور مشترک رتبه اول واردکنندگی تسلیحات متعارف در جهان را حفظ کرده‌اند (SIPRY Yearbook, 2013:10). همچنین، بر اساس آمار سال ۲۰۱۳ م. هند به لحاظ تسلیحات هسته‌ای در مقام ششم جهان قرار دارد و پاکستان در رتبه هفتم جهان. در همین راستا، هر دو کشور انواع جدیدی از موشک‌های کروز و بالستیک با قابلیت حمل

کلاهدک هسته‌ای را در دستور کار خود قرار دادند (SIPRY Yearbook, 2013:12-13).

- **بازیگری هند در افغانستان:** از دیگر حوزه‌هایی که دو کشور هند و پاکستان در آن دارای تضاد در روابطاند، مسائل مربوط به افغانستان و نفوذ پر دامنه هند در این کشور است. هند و پاکستان می‌کوشند با تقویت موقعیت خود در این کشور، از آن به عنوان اهرم فشار در برابر دیگری بهره گیرند؛ رقابتی که ظاهر آن را رویکرد به افغانستان برای روابط دیپلماتیک و باطن آن را رقابت میان هند و پاکستان برای تقویت موقعیت منطقه‌ای تشکیل می‌دهد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۲۵۵). هند می‌خواهد از حصار تنگ منطقه جنوب آسیا بیرون آید و نه تنها از مهار خود توسط پاکستان و چین جلوگیری کند؛ بلکه خود باعث محاصره و مهار پاکستان از طریق حضور در این منطقه شود. علاوه بر این، دولت‌مردان هندوستان سعی دارند از طریق تثبیت موقعیت خود در افغانستان، جایگاهی باثبات در منطقه و آسیای میانه پیدا کنند تا ضمن مبارزه با تروریسم، به منابع انرژی آسیای میانه دست یابند و برای صدور کالای خود، یک مسیر ترانزیتی به این منطقه بیابند. غیر از مسائل سیاسی، هند داری اهداف اقتصادی و عمرانی در افغانستان است. هند بیش از ۲/۱ میلیارد دلار برای کمک‌های عمرانی، بازسازی و بشردوستانه در افغانستان هزینه کرده است (Fair, 2011:180).

با خروج نیروهای ائتلاف نظامی غرب به رهبری ناتو در افغانستان در سال ۲۰۱۴ م. دولت هند اعلام کرده است از این کشور حمایت نظامی و اقتصادی خواهد کرد. مان موهان سینگ^۱، نخست‌وزیر هند نیز اظهار داشت؛ همکاری‌های دو دولت در عرصه‌های اقتصاد کشاورزی، معادن و نیز زیرساخت‌های کشور تحکیم خواهد یافت (امام‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱۲). شایان ذکر است که هند طی این یک دهه توانسته است در میان مردم و نخبگان

سیاسی افغانستان، جایگاه مناسبی برای خود دست و پا کند که این مسأله یقیناً برای پاکستان خوشایند نیست (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۲۵۵).

- **نزدیکی روابط راهبردی هند و آمریکا:** شوک ناگهانی که به پاکستان وارد شد، چرخش آشکار و آنی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر به سوی هند بود. اگر حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق نمی‌افتاد، شاید روابط هند و آمریکا به این سرعت رو به گسترش و تعمیق نمی‌گذاشت. در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا تروریسم را به عنوان مهمترین تهدید علیه امنیت ملی خود قلمداد کرد و آن را از سه زاویه سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم بین‌المللی و بنیادگرایی دینی نگریست که همگی این مسائل، چالش‌هایی بودند برای معرفی کردن پاکستان به عنوان برهم زننده صلح و امنیت جهانی. در این فضا، هند همگام با آمریکا، با داشتن قریب به ۱۴۰ میلیون مسلمان؛ افراط‌گرایی دینی و شیوع تروریسم از جانب مسلمانان را به عنوان تهدیدی جدی علیه امنیت ملی خود بزرگنمایی کرد. متها در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، و همزمان با سقوط طالبان، پاکستان اهمیت خود را نزد آمریکا و طرفدارانش از دست داد (حسین‌پور، پویان و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸). از این رو، هند توانست با نزدیکی بیشتر به آمریکا، این کشور را از پاکستان دور کند.

۲-۳. پاکستان - چین

- **چشم انداز کلی روابط چین- پاکستان:** از آغاز استقلال پاکستان، روابط چین و پاکستان بر اساس دوستی و مودت شکل گرفته بود. چین و پاکستان از نیمه دوم قرن بیستم؛ به‌ویژه دهه‌های اخیر از روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی مستحکمی برخوردار بوده‌اند. در ابعاد جدید دولت چین با ۲۰۰ میلیون دلار هزینه در ایجاد و تجهیز سیستم راه آهن پاکستان، تأمین لوکوموتیو مورد نیاز راه آهن این کشور و اتصال راه آهن پاکستان به چین موافقت کرده است. علاوه بر این، پکن ۱۰۰ میلیون دلار نیز برای تجهیز سیستم ارتباطات پاکستان

تحلیل ژئوپلیتیک روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها / ۹

و ۱۲۰ میلیون دلار برای توسعه خطوط لوله نفت این کشور در نظر گرفته است. طرح اقتصادی دیگری که از سوی چینی‌ها و پاکستانی‌ها به طور مشترک در حال اجراست، ایجاد بزرگراه ۱۳۰۰ کیلومتری قره قروم است. چین همچنین طرح ساخت و تجهیز بندر گوادر پاکستان را به عهده گرفته است. گفته شده توسعه بندر گوادر به لحاظ اهمیت بالایی که دارد، نماد همکاری چینی- پاکستانی است (آل احمد و افشاری، ۱۳۹۱: ۱۱). علاوه بر این، پاکستان برای پیشبرد طرح‌های هسته‌ای خود به شدت نیازمند کمک‌های تکنولوژیک و اقتصادی چین است. بر این اساس، چین توانسته است در ساخت شش نیروگاه اتمی با ظرفیت تولید ۶۰۰ مگاوات برق به هند کمک کند (فرزین نیا، ۱۳۸۵: ۵۳۰). با این حال، تازه‌ترین طرحی که بین دو کشور در این زمینه شکل گرفت؛ طرح برق هسته‌ای «چشمه-۲» است. به طور کلی، چین در طی دهه‌های اخیر با کمک به پاکستان؛ بویژه در حوزه نظامی و به خصوص در ساخت تسلیحات هسته‌ای، نقش اصلی را در توانمندسازی پاکستان برای ایجاد بازدارندگی، حداقل در برابر هند، ایفا کرده است.

- **زمینه‌های تهدید روابط چین- پاکستان:** هم‌اکنون چین و پاکستان روابط بسیار نزدیک و مطلوبی دارند؛ اما بحث بر سر تداوم روابط است. روابط قابل قبول چین و پاکستان فعلاً تا حدود زیادی برگرفته از دشمنی مشترک با هند است و این پاکستان است که در بسیاری از زمینه‌ها (اقتصادی، سیاسی، تسلیحاتی و...) به چین نیاز دارد. شایسته یادآوری است که پاکستان تا قبل از ۱۱ سپتامبر روابط بسیار نزدیکی با آمریکا داشت و حتی هر ساله کمک‌های اقتصادی زیادی را به دلایل متعدد از آمریکا دریافت می‌کرد؛ ولی از فردای ۱۱ سپتامبر، تهدیدهای مشترک از ناحیه کشورهای نظیر پاکستان، باعث شد که هند و آمریکا اولویت‌های امنیت ملی خود را به شدت به یکدیگر نزدیک کنند. با این حال، عواملی چند وجود دارد که در آینده قادرند روابط چین و پاکستان را تهدید کنند؛ از جمله آنها:

- **تهدید از ناحیه ترکستان شرقی (ایالات سین کیانگ):** وجود منابع عظیم نفت و گاز در

ترکستان شرقی، این منطقه را به منطقه‌ای راهبردی تبدیل کرده است. از لحاظی نیز، این منطقه به دلیل همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان اهمیت ژئوپلتیک خاصی دارد.

هم‌اکنون اصلی‌ترین خواسته مردم مسلمان اویغور منطقه سینگیانگ، از کشور چین پایان دادن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی، حفظ هویت فرهنگی، دینی و ملی در داخل ترکستان شرقی است؛ ولی دولت پکن معتقد است گروه‌های جدایی طلب در منطقه مسلمان‌نشین سینگیانگ در پی ایجاد دولت مستقل خود با نام ترکستان شرقی هستند و روابطی با شبه‌نظامیان در آسیای مرکزی و پاکستان دارند. این در حالی است که «احرارالهند» از گروه‌های انشعابی «تحریک طالبان پاکستان»؛ به چینی‌ها هشدار داد در صورت ادامه آزار و اذیت مسلمانان استان «سینگیانگ»، این گروه مراکز و منافع اقتصادی چین را هدف قرار خواهد داد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۹۷).

البته، مشکلی که چین با گروه‌های جهادی دارد، تنها به تلاش آنها برای انقلاب در سینگیانگ مربوط نمی‌شود؛ بلکه همچنین از این موضوع نشأت می‌گیرد که این گروه‌ها قصد براندازی حکومت‌هایی را دارند که چین با آنها روابط نزدیک تجاری و اقتصادی دارد (Fishman, 2011: 48-53). ضمن اینکه عده‌ای از کارشناسان ریشه‌های این ناآرامی‌ها را در تبعیض قومیتی می‌دانند، عده دیگری پاکستان را عامل اصلی این ناآرامی‌ها می‌دانند؛ ولی واقعیت این است که «نهضت ترکستان شرقی» خواهان استقلال ایالات سینگیانگ از چین است (ملازهی، ۱۳۹۲: ۳). مسأله نگران‌کننده برای چین، این است که این گروه‌ها از حمایت مادی و معنوی برخی از گروه‌های افراطی در پاکستان، از جمله القاعده و طالبان برخوردارند و نظیر بسیاری از گروه‌های تروریستی، در مناطق سرحدی پاکستان دارای پایگاه هستند. هم‌اکنون نیز در کشورهای آسیای مرکزی یک حزب اسلامی به نام «حزب تحریر» فعال است و حتی توانسته است به یک نیروی تهدیدکننده حاکمیت ملی در

کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شود. «حزب تحریر» در میان اویغورها نیز صاحب نفوذ است. بنابراین، قابل پیش‌بینی است چنانچه به هر دلیلی روابط خوب چین و پاکستان دچار تنش شود، پاکستان این پتانسیل را دارد که از مسلمانان منطقه ترکستان شرقی (سینگ‌کیانگ)، حمایت کند؛ به طوری که هنگام حضور شوروی‌ها در افغانستان، دولت اسلامی پاکستان برای گرفتن بعضی امتیازات از چین، اقدام به جذب بعضی از اویغورهای مسلمان تندرو نمود و به آنها در کنار گروه مجاهدان افغان آموزش نظامی داد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۹۸).

- **نزدیک شدن تدریجی هند و چین:** می‌توان گفت در دوران پس از جنگ سرد، راهبرد سیاست خارجی هند بر اساس داشتن محیطی آرام و دور از تنش پایه‌گذاری شده است. پس از ۱۹۹۱ م. هندی‌ها به طور جدی در پی تعمیق روابط خود با چین برآمدند. هند با گسترش روابط خود با چین می‌کوشد به بهبود روابط با این کشور در حوزه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و فرهنگی فعالیت ببخشد. مبادلات تجاری میان دو کشور در ۱۹۹۰ م. ۲۵ میلیون دلار بوده و در سال ۲۰۰۷ م. این میزان مبادلات به ۲/۵ میلیارد دلار رسیده است. بنابراین، چین برای هند به نخستین شریک تجاری و هند برای چین، دهمین شریک تجاری تبدیل شده است (آقایی و طاهری، ۱۳۹۲: ۱۴۳). در سال ۲۰۱۰ م. حجم روابط دو کشور به ۶۰ میلیارد دلار رسیده است. بر این مبنا می‌توان گفت که حجم تجارت دو کشور در طول یک دهه (۲۰۰۰ م- ۲۰۱۰ م)، بیست برابر شده است که رشد شگفت‌انگیزی را نشان می‌دهد. از چشم‌انداز پاکستان، هند از طریق بهبود نسبی روابطش با چین و ایران، گلوگاه‌های حیاتی اسلام‌آباد را فشرده است و از این طریق، ضمن جلب حمایت‌های آمریکا، درصد محدود کردن فضای پاکستان برآمده است (Pant & Julie, 2013:80). با این حال، این نکته گویای این مطلب است که دو کشور چین و هند به عنوان دو قدرت نوظهور و با درک از شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل قادرند مشکلات خود را به نحو

شایسته‌ای حل کنند. بنابراین، با اینکه هم‌اکنون بزرگترین دغدغه چین از اتحاد با پاکستان کنترل هند است، بعید نیست که در آینده نزدیک با وجود نزدیکی منافع دو کشور هند و چین؛ چین و پاکستان به تدریج از هم فاصله بگیرند.

- کیفیت روابط چین و آمریکا: چین می‌خواهد روابط سازنده با ایالات متحده را توسعه ببخشد. مهمترین الزام ایفای چنین نقشی، همراهی حداقلی با دستورکار بین‌المللی آمریکا؛ بویژه در حوزه امنیت بین‌المللی است (شریعت‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۰۷). افزون بر این، اوپاما نیز در مناسبت‌های مختلف بر گسترش و تعمیق روابط با چین تأکید کرده است؛ موضعی که با استقبال خوب چینی‌ها روبه‌رو شد. بهبود روابط این دو کشور در این دوره به گونه‌ای سریع و آشکار بوده که برژینسکی در دیدار خود از چین، پیشنهاد تشکیل گروه ۲ (چین+آمریکا) را برای بررسی و حل و فصل موضوع‌های کلان بین‌المللی مطرح کرده است (Brzezinski, 2009). حجم مبادلات تجاری آمریکا - چین از حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به فراتر از ۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسیده است. امروزه چین در ردیف بزرگترین صادرکنندگان به آمریکا و در عین حال، بزرگترین خریداران اوراق قرضه خزانه‌داری این کشور است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۴). همچنین، تأثیرات حادثه ۱۱ سپتامبر بر تغییر رویکرد ایالات متحده در قبال چین در گزارشی که با عنوان «راهبرد امنیت ملی آمریکا» در سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر شد، به‌وضوح بر نیاز به همکاری با «قدرت‌های بزرگ» تأکید داشت و در این میان، از چین به عنوان کشوری با پتانسل‌های قدرت بزرگ یاد شده است. در یک ارزیابی کلی شبیه آنچه در روابط هند و چین در حال وقوع است، با اندکی تفاوت در روابط چین و ایالات متحده نیز قابل حصول است. واضح است که روابط چین و پاکستان هم‌اکنون ناشی از مجموعه‌ای اقتضاهاست. لذا بعید نیست در آینده، چین با وجود ابرقدرت آمریکا و قدرت در حال ظهور هند، حاضر شود در روابط خود با پاکستان تجدیدنظر کند یا آن را حداقل تا سطحی معین کاهش دهد.

۳-۳. پاکستان - افغانستان

در میان همسایگان پاکستان؛ روابط این کشور با افغانستان پیچیدگی‌های زیادی دارد. پاکستان در تحولات افغانستان نقش مهمی ایفا کرده است. در دهه ۱۹۸۰ م. با حمایت همه‌جانبه غرب از پاکستان، نقش این کشور در مبارزه علیه شوروی در خاک افغانستان با تجهیز و سازماندهی بخشی از مجاهدان آغاز شد و با شکست شوروی، حمایت‌های پاکستان از طالبان در ۱۹۹۴ م. زمینه را برای به قدرت رسیدن این جنبش در افغانستان مساعد ساخت (محمد شریفی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۳). منتها هم‌اکنون مهمترین مسأله‌ای که نقش پاکستان را در تحولات افغانستان برای سایر کشورها مهم جلوه می‌دهد، توسل پاکستان به هر ابزاری برای بی‌ثباتی افغانستان است. پاکستان سرمایه‌گذاری خود را بر روی طالبان، عموماً به عنوان سرمایه‌ای راهبردی در مقابل هند و افغانستان و مخصوصاً با چشم‌انداز «روی کار آوردن رژیم دوست در افغانستان»، «محدود کردن نفوذ سیاسی هند در آن کشور»، «ختی کردن مخالفت ناسیونالیستی پشتون‌های افغان با خط مرزی دیوراند» و «مدیریت منافع و نفوذ پاکستان در آسیای مرکزی» می‌بیند (Gautam, 2010: 34).

- **منافع حیاتی / مرز دیوراند:** در میان همسایگان پاکستان، این کشور به دلیل دارا بودن طولانی‌ترین مرز مشترک با افغانستان (بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر) و اختلافات مرزی میان دو کشور «بر سر خط مرزی دیوراند» که از بدو استقلال پاکستان (۱۹۴۷) تاکنون تداوم داشته، پوشش‌های امنیتی بسیار نزدیکی با افغانستان دارد (DSouza, 2009: 2-3). در این میان، ناسیونالیسم پشتون در صدد تشکیل کشوری از قوم پشتون است، که این مسأله با منافع پاکستان مخالف است و همین امر نیز روابط بین پاکستان و افغانستان را بر بنیاد خصومت و سوءتفاهم شکل داده و این خصومت‌ها در طول ۶۰ سال ادامه یافته است. مقامات افغانی بارها مشروعیت حقوقی و سیاسی معاهده دیوراند را زیر سؤال برده و خواهان لغو آن بوده‌اند. با وجود این، نبود قرارداد مرزی میان افغانستان و پاکستان، و عدم تمایل افغانستان

به شناسایی مرزهایش با پاکستان، به‌منزله تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی پاکستان محسوب می‌شود (بورگ، ۱۳۷۷: ۸۵).

- **تضاد در منافع راهبردی/هند:** موازنه قدرت برای پاکستان، در جنوب آسیا و در متن رقابت راهبردی آن کشور با هند معنا می‌یابد. از این‌رو، پاکستان در افغانستان، به عنوان همسایه خود و همسایه با واسطه هند، باید از موضع برتری برخوردار باشد و در وهله اول، مانع از نفوذ هند در آن کشور شود و در وهله بعد، شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای همچون ائتلاف ایران- روسیه- هند یا ایران- امریکا- هند را در صحنه افغانستان مانع شود؛ ولی به نظر می‌رسد افغانستان و هند در یک مجموعه امنیتی بسیط قرار می‌گیرند؛ به طوری که امنیت، اقتصاد و توسعه دو کشور با هم ادغام شده است (توحیدی، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲).

- **منافع ثبات:** پاکستان در صورتی ثبات در افغانستان را پیگیری می‌کند که دولتی تحت‌الحمايه خودش در آن کشور شکل گیرد. رفتار پاکستان در دوران پیش و پس از ۱۱ سپتامبر و به بیان دیگر، در زمان حکومت طالبان و در زمان پس از سرنگونی آنها، این امر را به‌خوبی نمایان می‌سازد. در دوران حکومت طالبان، پاکستان از بهترین روابط با افغانستان برخوردار بود؛ اما با روی کار آمدن حکومت کرزای، روابط دو کشور به‌شدت دچار تنش شد. حکومت کرزای همواره پاکستان را به دخالت در امور داخلی افغانستان و حمایت از طالبان متهم می‌کرد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

۳-۴. پاکستان- ایران

- **افراطیگری مذهبی؛ گروه‌های ضد شیعی و ضد ایرانی:** افراطیگری، نوعی رفتار خشونت‌گرای هدفمند است که پشتوانه بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و مهمترین ویژگی آن «صدمه زدن» به دیگران است (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). افراطیگری مبتنی بر مذهب است؛ اما مذهب افراط‌گراها همان مذهب عموم مردم نیست. این مذهب بنا به مقاصد سیاسی دستکاری شده و خصلتی آرمانی پیدا کرده است. افراط‌گراها قصد دارند با

تسلط بر دولت‌ها، آموزه‌ها و قوانین مورد نظر خود را در همه ارکان و شوئون جامعه جاری کنند (Bourm, 2011:9). بی‌شک، اصلی‌ترین منبع تنش در روابط ایران و پاکستان، حول مسائل ایدئولوژیک و مذهبی است که تاکنون به تنش‌های جدی در روابط دو کشور منجر شده است. برخی از گروه‌های ضدشيعی به شرح زیرند:

- **وهابیت و طالبان:** در «تفکر طالبانیسم» که شیوه به‌روزشده جریان فکری ابن تیمیه و پیروان اوست، ضدیت با شیعه بارز و مشخص است. ملامحمد عمر- رهبر طالبان- اعلام کرد: «شیعیان چیزی بین کفار و مسلمانان هستند. به ادعای طالبان، شیعیان بدعت‌گذارانی هستند که می‌توان آنان را برای عقاید مذهبی‌شان آزار و اذیت کرد.» این رویکرد خواه‌ناخواه ایران را به عنوان بزرگترین کشور شیعی جهان به چالش می‌خواند و به تعبیر الیویه روی، همگان ایران را پدرخوانده شیعیان در جهان می‌دانند (مصباح: ۱۳۸۶).

- **سپاه صحابه و لشکر جهنگوی:** سپاه صحابه در هر چهار ایالت پاکستان رسوخ کرده و به عنوان یکی از قویترین گروه‌های افراطی پاکستان شناخته می‌شود. این گروه موفق شده است ۵۰۰ دفتر و شعبه در تمام ۳۴ ناحیه پنجاب ایجاد کند و حدود ۱۰۰ هزار کارگر استخدامی در پاکستان دارد. سپاه صحابه همچنین ۱۷ شعبه در کشورهای خارجی، همچون: امارات متحده عربی، عربستان، بنگلادش، کانادا و انگلستان دایر نموده است (Kamran, 2008:9). این سپاه، شیعیان را مسلمان نمی‌داند و به عنوان واکنشی در قبال انقلاب شیعی ایران تأسیس شده است. برخی نقل می‌کنند که لشکر جهنگوی در سال ۱۹۹۶ به وسیله اعضای ارشد سابق سپاه صحابه، کسانی که معتقد بودند سپاه صحابه از آرمان اولیه ضدشيعی خود دور شده، تأسیس شده است.

- **گروه‌های تروریستی شرق ایران:** به نظر می‌آید *ISI* پاکستان برای خنثی کردن تفکر قومی جدایی طلب در ایالات بلوچستان به تقویت نیروهای رادیکال اسلامی روی آورده است. به همین خاطر، این بحث وجود دارد که گروه‌هایی مانند «جیش العدل» که علیه ایران به

اعمال تروریستی دست می‌زدند (ملازهی، ۱۳۹۱)، از حمایت پاکستان برخوردارند؛ چنان‌که شیرین هاتر می‌گوید: «جندالله و رهبر آن، عبدالمالک ریگی، که مسؤولیت کشته شدن صدها تن از شهروندان غیرنظامی و نیروهای سپاه پاسداران ایران را برعهده دارند، نیز به گروه‌های افراطی‌گرای پاکستانی و شاید حتی سرویس‌های اطلاعاتی (ISI) پاکستان وابسته هستند.» (Hunter, 2014). پس از گروهک جندالله، گروهک‌های تروریستی دیگری، مانند: «انصار» و «جنش عدل» در سیستان و بلوچستان اعلام موجودیت کردند. آنچه نام «جیش العدل» را بر سر زبان‌ها آورده، ترور ۱۸ تن از مرزبانان ایران در سراوان بوده است.

- **رادیکالیسم قومی:** نفوذ عربستان و پاکستان بر اهل سنت ایران در سال‌های اخیر گسترش یافته است؛ به طوری که دانشگاه‌های مذهبی و غیرمذهبی عربستان سالانه تعداد درخور توجهی بورسیه در اختیار دانشجویان اهل سنت ایران می‌گذارد. همین مسأله در مورد پاکستان نیز صدق می‌کند. علاوه بر این، پاکستان با تقویت گروه‌های افراطی در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آنها در خاک خود، باعث شده تا این موضوع به چالشی امنیتی در روابط دو کشور تبدیل شود (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۰۱). ترویج تفکرات مذهبی وهابیت؛ به‌ویژه تلاش برای تکوین تشکل‌های متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت انرژی و آگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت، موجب افزایش همگرایی اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی خاور و جنوب خاوری ایران شده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۲). همچنین، برخی از گروهک‌های تروریستی، نظیر: «جندالله» و در شکل جدیدتر «انصار» و «جنش عدل»، در سیستان و بلوچستان و با برخی از علمای تندرو در پاکستان در ارتباط هستند، که تحت تعلیم آموزش نظامی برخی از عناصر القاعده هستند (غفوری و داوند، ۱۳۹۳: ۱۰۰). این گروه‌ها در خاک ایران به عملیات تروریستی دست می‌زنند و پس از قتل و جنایت در داخل ایران، به خاک پاکستان متواری و مخفی می‌شوند.

- چالش‌های سیاسی

الف- نقش عربستان سعودی: عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای پاکستان محسوب می‌شود. سابقه همکاری دو کشور به جنگ افغانستان و همکاری در تقویت مجاهدان افغان در مبارزه با شوروی در دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد؛ منتها اوج روابط عربستان سعودی و پاکستان به دوران ریاست ژنرال ضیاءالحق بر می‌گردد (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). به طور کلی، روابط عربستان سعودی و پاکستان در همه زمینه‌ها گسترده است. کمک‌های مالی فراوان و دائم به اقتصاد ورشکسته پاکستان، همگرایی در مذهب و ایدئولوژی، روابط گسترده راهبردی و نظامی و... بخشی از مناسبات دو کشور است (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). واقعیت این است که عربستان، در همگرایی با پاکستان و واگرایی کامل با ایران است. رقابت دو کشور ایران و عربستان در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان عرب و اسلام، و حتی در صحنه بین‌المللی، گویای توانایی اندک آنها در بسط همکاری‌های دوجانبه است؛ منتها ریشه اصلی منازعات ایران و عربستان را باید در مسائل مذهبی جستجو کرد؛ به طوری که عربستان دارای بیشترین نقش در تجهیز و سازماندهی مدرسه‌های مذهبی در پاکستان، و گروه‌های ضد شیعی این کشور است.

ب- اهداف متضاد در افغانستان: در روند تکوین روابط میان پاکستان و ایران، کشور افغانستان به عنوان یک متغیر مهم امنیتی حضور دارد. نقش افغانستان در این میان به دلیل مشترکات فراوان فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان پررنگ است. گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان (اکثر متعلق به قوم تاجیک، هزارها و قزلباش) به ایران و گرایش برخی دیگر (اکثر بلوچ‌ها و پشتون‌ها) بیشتر به پاکستان است که همین موضوع سبب شده که دو کشور همسایه در تحولات افغانستان بسترهای نفوذ قابل‌اتکایی به دست آورند و در مواقعی نیز افغانستان حوزه رقابت و نفوذ این دو کشور باشد (تمنا، ۱۳۹۰: ۱۰۶). از دیگر چالش‌های ایران و پاکستان، در افغانستان؛ حمایت پاکستان

از طالبان است. پاکستان، با حمایت از این گروه ضمن حفظ نفوذ خود قصد دارد در برابر دولت‌های ضد پاکستانی در افغانستان، از طالبان به عنوان یک سرمایه راهبردی بهره ببرد؛ اما از نظر ایران، طالبان جریانی منحرف است که با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ، با تفسیر افراطی از آموزه‌های دینی و اقدامات خشونت‌آمیز، تخریب چهره واقعی اسلام و مهار سیاست‌های ایران را در سطح منطقه دنبال می‌کند. همچنین، ادامه فعالیت گروه‌های بنیادگرا و اعمال اقدامات تروریستی علیه شیعیان و اتباع ایرانی، کشت و ترانزیت مواد مخدر و رقابت دو کشور در افغانستان برای نفوذ در آسیای مرکزی، از جمله چالش‌های مهم ایران و پاکستان در صحنه تحولات افغانستان به شمار می‌رود (Kouzehgar, 2010: 158-159).

– **چالش‌های مرزی:** وجود کانون‌های ناامن‌ساز و ضدامنیتی، در درازای مرزهای ایران با همسایگانش، نگرانی‌هایی برای مرزنشینان، دولت مرکزی و دست‌اندرکاران امور مرزی فراهم آورده است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۸). وجود ۹۸۰ کیلومتر مرز مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و وجود بافت حاکم عشیره‌ای و قومی یکسان در دو طرف مرز و مشکلات کشور همسایه از قبیل عدم نظارت کافی بر مرز و محدودیت زمینه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و همچنین، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و عدم توسعه در این منطقه، وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی و فرهنگی، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در این خطه در سال‌های اخیر تبعات گوناگونی؛ از جمله روی‌آوری احتمالی به مبادلات غیررسمی، بخش وسیعی از اشتغال مالی را تأمین و قاچاق کالا و مواد مخدر و تردهای غیرمجاز و... را به دنبال داشته است (میررضوی، ۱۳۹۳: ۳).

۴. نتیجه‌گیری

به‌طورکلی، عمده‌ترین منابع تهدید در روابط تنش‌ی پاکستان با سه همسایه خود؛ هند، افغانستان و ایران، حول مسائل ارضی، مرزی و ایدئولوژیک است. این مناقشات عمدتاً در

تاریخ استعماری پاکستان ریشه دارند؛ به گونه‌ای که مشکلات داخلی فراوان این کشور (از کودتای ژنرال‌ها گرفته تا نفوذ و دخالت پرعمق گروه‌های اسلامی در این کشور) طی همین نیم قرن، هیچ وقت مجالی به پاکستان برای حل مشکلات (بیرونی) خود با همسایگان را نداد. از این لحاظ محیط سیاسی پاکستان با منابع هویتی چالش‌زایی، نظیر: قومیت و نژاد، مذهب و ایدئولوژی گره خورده است که کارکردهای این منابع در پایان نتیجه‌ای جز خشونت ندارد. منازعه پاکستان و هند بر سر حاکمیت کشمیر معرف منازعه‌ای هویتی و حیثیتی است. بنابراین، یکی از دلایلی که باعث شد دو کشور به سوی مسابقات خطرناک تسلیحاتی - اتمی پیش بروند، همین مناقشه کشمیر است. پاکستان همچنین نتوانسته تاکنون مشکلات مرزی خود بر سر مرز دیوراند را با افغانستان به نتیجه مشخصی برساند؛ منتها به جای تلاش برای حل و فصل این موضوع، در سطح وسیعی به تجهیز و حمایت طالبان می‌پردازد. بنابراین، این مسأله نیز همانند برآیند مسائل کشمیر، تهدیدی کلی و همه‌جانبه برای سایر کشورهاست. اصل منازعات پاکستان و ایران حول مسائل ایدئولوژیک به نمایندگی مذهب و قومیت است. شکل‌گیری گروه‌های افراطی مذهبی در پاکستان (سپاه صحابه و لشکر جنگهوی) و ایران (جندالله، جیش‌العدل، انصار) نمونه‌ای از منازعات ایدئولوژیک دو کشور است، که آی.اس.آی بنا به دلایلی، و برخی از رژیم‌های منطقه‌ای (عربستان سعودی) بیشتر از دیگران از این گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند. هرچند تاکنون تهدید جدی از جانب پاکستان متوجه چین نشده است؛ ولی پاکستان قابلیت تهدید چین را به صورت بالفعل دارد. این احتمال وجود دارد که پاکستان در صورت تحلیل روابطش با چین از قومیت اویغور که به لحاظ نژاد ترک و به لحاظ دین مسلمان سنی مذهب‌اند، استفاده لازم را ببرد.

به‌طور کلی، در کوتاه‌مدت هرگونه پیش‌بینی برای حاکمیت شرایط مطلوب در روابط پاکستان و چهار همسایه این کشور دشوار به نظر می‌رسد؛ منتها شواهد گویای این است که هم‌اکنون پاکستان با وجود بسیاری از ناهنجاری‌ها، تهدیدی بالفعل برای همه همسایگان خود محسوب می‌شود.

منابع

- احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). ژئوپلتیک همگرایی و واگرایی منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: ایران و پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- آقایی، سیدداوود و طاهری، ابراهیم. (۱۳۹۲). «هند و شانگهای»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، ش ۴، زمستان، ص ۱۴۵-۱۳۵.
- امام‌زاده، پرویز. (۱۳۹۲). «نگرانی غرب و بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان»، گزارش راهبردی ۳۶۵، تهران: معاونت پژوهش‌های بین‌المللی.
- آل احمد، سید مهرداد و سرای گردافشاری، بابک. (۱۳۹۱). «چابهار؛ کلید موازنه قدرت در اقیانوس هند»، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ بهمن ماه، کد مقاله ۲۰۵۱.
- امامی، حسام‌الدین. (۱۳۷۸). *افغانستان و ظهور طالبان*، تهران: انتشارات شاب.
- تمنا، فرامرز. (۱۳۹۰). *جایگاه افغانستان در روابط ایران و پاکستان*، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۸۵-۱۱۱.
- توحیدی، ام البنین. (۱۳۸۸). «مسئله افغانستان، آمریکا و همسایگان»، گزارش راهبردی ۳۰۱، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات راهبردی، آذر ماه، ص ۱۱.
- ثقفی‌عامری، ناصر. (۱۳۷۷). «مسابقه تسلیحاتی هند و پاکستان: دیدگاه‌های ایران و سیاست‌های آینده»، *سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۳۰-۱۲۹، ص ۱۵۱-۱۴۶.

تحلیل ژئوپلیتیک روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها / ۲۱

جوادی ارجمند، محمدجعفر، بیدالله خانی، آرش و رضایی‌زاده، پیمان. (۱۳۹۱). «تحلیل ژئوراهبردی روابط ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، ش ۱۲، پاییز، ص ۷۶-۵۱.

جمالی، جواد. (۱۳۹۰). «افراطی‌گری در پاکستان»، تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور. حسین پوریان، رضا؛ مجتهدزاده، پیروز؛ حافظ‌نیا، محمدرضا و عزتی، عزت‌الله. (۱۳۹۱). «تبیین ژئوپلیتیک قدرت در منطقه شبه‌قاره هند پس از وقوع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۳ م»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره سوم، پاییز، ص ۳۴-۱.

حسین‌خانی، الهام. (۱۳۹۱). «رویکرد پاکستان نسبت به طالبان محلی و طالبان افغانستان»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، تابستان، ص ۱۴۲-۱۱۷. حیدری، محمد و انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۹۱). «ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، ش سوم، پاییز. دهشیار، حسین. (۱۳۸۸). «ملاحظات پاکستان در فرایند مبارزه علیه تروریسم»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، ش ۵.

_____ (۱۳۸۶). «ستون‌های دوگانه بی‌ثباتی در پاکستان»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و یکم، ش ۱۱ و ۱۲.

سازمند، بهاره؛ حق‌شناس، محمدرضا و قنبری، لقمان. (۱۳۹۳). «چشم انداز موازنه قدرت در روابط هند-پاکستان در پرتو تحولات اخیر»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول، بهار، ص ۸۱-۴۳.

س. م. بورگ و لارنس زایرینگ. (۱۳۷۷). «تاریخ روابط خارجی پاکستان»، ترجمه ایرج وفایی. تهران: اکویر.

شفیعی، نوذر و اسکندری، مریم. (۱۳۹۰). «بحران کشمیر: ارزیابی سناریوهای حل بحران»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۸، ص ۲۳۰-۲۰۵.

شفیعی، نوذر. (۱۳۸۸). «بازتولید قدرت در افغانستان؛ تبیین قدرت‌یابی طالبان»، فصلنامه اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، ش ۴، پاییز، صص ۱۱۸-۱۰۷.

صراف یزدی، غلام رضا؛ نجاتی، جواد و صبری، محسن. (۱۳۹۰). «ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۶، پاییز. عطایی، فرهاد، شهوند، شهراد. (۱۳۹۱). «افراطیگری فرقه‌ای در پاکستان. (۲۰۰۱-۱۹۷۹)»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره دوم. (پیاپی ۱۶)، پاییز و زمستان، صص ۱۰۳-۸۶.

فرزین‌نیا، زیبا. (۱۳۸۵). «پویایی پیچیده روابط پاکستان با چین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، ش ۳ و ۲، تابستان و پاییز، صص ۵۵۵-۵۱۷. قنبر لو، عبدالله. (۱۳۸۹). «مناسبات اقتصادی آمریکا - چین و آثار آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴۸، صص ۱۴۰-۱۱۳.

کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۹). «ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «ژئوپلتیک ایران و پاکستان، (زمینه‌های همگرایی و واگرایی منطقه‌ای)»، تهران: انتخاب.

میررضوی، فیروزه. (۱۳۹۳). «ریشه تنش‌های مکرر میان ایران و پاکستان». منتشر شده در: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معصر تهران، ۲۱ آبان ماه.

ملازهی، پیرمحمد. (۱۳۹۲). «خشونت در سین کیانگ چین»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، دوم اردیبهشت ماه، صص ۶-۱.

مجته‌زاده، پیروز. (۱۳۹۱). «فلسفه و کارکرد ژئوپلتیک، (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی)»، تهران: سمت.

- موسوی، سیدحامد. (۱۳۹۰). «دین و سیاست در پاکستان»، تهران: تنزیل.
- مسعودنیا، حسین و نجفی، داوود. (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال سوم، شماره هشتم، پاییز، ص ۱۱۶-۸۳.
- محمدشریفی، علیرضا. (۱۳۸۸). «نقش پاکستان در پرورش مذهبی و قومی طالبان»، ماهنامه سیاسی-اقتصادی، ش (۲۶۰-۲۵۹)، ص ۳۹-۲۲.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۸۶). «دیوندیة، پشتونیسیم، طالبانیسیم»، در سایت: <http://www.bashgah.net/pages-88841.html>
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه دره میرحیدر با همکاری سیدیحیی صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- Borum, Randy. (2011). "Radicalization into Violent Extremism I: a Review of Social science Theories", *Journal of Strategic Security*, volume 4, issue 4, pp. 7-36.
- Brzezinski, Zbigniew. (2009). "The Group of Two that could change the world", *FT*, January 13.
- D'Souza, S. M. (2009). "Afghanistan in South Asia: Regional Cooperation or Competition?" *South Asian Survey*, 16(1), 23-42.
- Dodds, Klaus. (2000). *Geopolitical in a Changing World*, England: Pearson Education Limited.
- Dwivedi, R. L. (1990). *Fundamentals of political Geography*, Allahabad: Chaitanya Publishing House.
- Fishman, Brian. (2011). "Al-Qaeda and the Rise of China: Jihadi Geopolitics in a Post Hegemonic World", *the Washington Quarterly*, and Vol. 34, No. 3.
- Fair, C. Ch. (2011). "Under the Shrinking U.S. Security Umbrella: India's End Game in Afghanistan?" *The Washington Quarterly*, p. 180, available at: <http://www.twq.com/11spring/docs/11spring>
- Gautam, Mukhopadhaya. (2010). *Is a Regional Strategy Viable In Afghanistan*, Carnegie Endowment for International Peace, p. 34.
- Glassner, Martin. (2004). *Political Geography*, New York, John Wiley & amp; Sons, Inc.
- Hunter, Shireen. (2014). *The Roots of Recurring Iranian-Pakistani Tensions*, Published by the Lobi log Foreign policy, Published on October 23.

- Hussein, Mullica Hider Ali .(2011). "Power by Proxy: Al-Qaida in Pakistan, accessed in Al-Qaida after Ten Years of War a Global Perspective of Successes, Failures, and Prospects", Edited by, Norman Cigar and Stephanie E. Kramer, Marine Corps University.
- Johnston, R. J & Gregory & Derek, Smith, M .(1994). "The dictionary Housman Geography", U. K: Blackwell.
- Kamran, T.(2008) "The Political Economy of Sectarianism," in: <http://spaces.brad.ac.uk:8080/download/attachments/748/Brief32fin>
- Pant, Harsh V and Julie M. Super .(2013). "Balancing Rivals: India's Tightrope between Iran and the United States", Asia Policy 15, 1, pp.69-88.
- SIPRI Yearbook .(2013). "Available"at: SIPRI.org.
- Taylor, Peter(1994), Political Geography, England: Longman Scientific & Technical.